اخبار

در نشست رئیس سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تهران با مجید مجیدی مطرح شد

همه ظرفیت‌ها در خدمت نمایش فیلم «محمد(ص)» است

رئیس سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تهران در دیدار با مجید مجیدی، کارگردان فیلم «محمد(ص)» بر ضرورت استفاده از همه ظرفیت‌های سازمان فرهنگی ـ هنری برای نمایش و ارائه این فیلم تاکید کرد. به گزارش فارس، در ادامه نشست‌های هفتگی هنرمندان با رئیس سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تهران، جلسه محمود صلاحی با مجید مجیدی کارگردان فیلم «محمد(ص)» به همت معاونت هنری سازمان با موضوع بررسی ظرفیت‌های سازمان فرهنگی ـ هنری برای نمایش این فیلم برگزار شد. رئیس سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تهران در این جلسه با تشکر از عوامل فیلم «محمد(ص)»، گفت: در انتقال مفاهیم دینی و معنوی به نسل جدید نیازمند بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و جلوه‌های فرهنگی و هنری هستیم که این مهم و تاثیرگذاری در ساخت فیلم «محمد(ص)» به نحو مطلوب انجام شده است. صلاحی با اشاره به اینکه همه امکانات سازمان فرهنگی ـ هنری شهرداری تهران برای ارائه و نمایش بهتر در اختیار فیلم «محمد(ص)» قرار خواهد گرفت، افزود: بهترین سالن‌ها در پردیس‌های سینمایی سازمان و فرهنگسراهای شهر تهران برای نمایش این فیلم آماده خواهد شد و نمایش خصوصی برای مدیران فرهنگی و هنری و بهره‌مندی کارکنان شهرداری تهران از این فیلم، همچنین استفاده از ظرفیت تبلیغی سازمان برای معرفی فیلم و برگزاری نمایشگاه عکس‌های فیلم در نگارخانه‌های مهم سازمان را در دستور کار قرار خواهیم داد.

■■■

«آن بیست‌وسه نفر» به برج میلاد می‌رسد

احمد یوسف‌زاده، نویسنده کتاب «آن بیست‌وسه نفر»، خبر از برنامه ویژه‌ای برای این کتاب در برج میلاد داد. به گزارش «وطن امروز»، در هفته فرهنگی استان کرمان که از تاریخ ۱۶ تا ۲۳ مردادماه جاری در برج میلاد برگزار می‌شود، روز ۲۱ مردادماه به نام دفاع‌مقدس نام گرفته و در این روز مراسمی برای آثار و نویسنده‌های این عرصه در نظر گرفته خواهد شد که کتاب«آن بیست‌وسه نفر» هم از آن جمله است. همچنین یوسف‌زاده در گفت‌وگو با «وطن امروز» خبر از عرضه فایل صوتی کتاب «آن بیست‌وسه نفر» در آینده نزدیک داد. این محصول که با همکاری مرکز هنرهای نمایشی رادیو تهیه شده، قرار است در چاپ جدید این کتاب توسط حوزه هنری ضمیمه آن شود.

■■■

دهکردی در نقش «شهید چمران» روی صحنه تئاتر شهر

ایوب آقاخانی بعد از ۴ سال دوری از تئاتر شهر، بزودی نمایش «تکه‌های سنگین سرب» درباره مقطعی از زندگی شهید دکتر مصطفی چمران را در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه خواهد برد. به گزارش تسنیم، نمایش «تکه‌های سنگین سرب» به نویسندگی و کارگردانی ایوب آقاخانی به عنوان جدیدترین اثر گروه تئاتر پوشه به روایت زندگی شهید دکتر مصطفی چمران به‌عنوان یکی از صاحبنام‌ترین شهدای تاریخ جنگ تحمیلی ایران می‌پردازد. ایوب آقاخانی درباره این اثر گفت: نمایش «تکه‌های سنگین سرب»، زاویه‌ای متفاوت و مهجورمانده از یک نگاه اندیشه‌ورزانه به زندگی دکتر چمران را روایت می‌کند. به گفته آقاخانی، تمرین و تدارک این نمایش مراحل نهایی را طی می‌کند و اکنون آماده بازبینی است. نمایش «تکه‌های سنگین سرب» که دارای دو پرسوناژ است، با بازی پیام دهکردی بعد از جشنواره هفدهم نمایش‌های آیینی سنتی، در تالار چهارسوی مجموعه تئاترشهر روی صحنه خواهد رفت.

■■■

«دایرةالمعارف جمهوری اسلامی» در آستانه انتشار

«دایرةالمعارف جمهوری اسلامی» شامل گزارشی از مهم‌ترین وقایع در سال‌های انقلاب اسلامی توسط نشر سایان منتشر خواهد شد. به گزارش تسنیم، جعفر شیرعلی‌نیا، نویسنده با اشاره به آثار در دست انتشار خود گفت: اخیراً در حال تدوین مجموعه‌ای با عنوان «دایرةالمعارف جمهوری اسلامی» هستم که حاصل یک کار گروهی است. این اثر نگاهی دارد به مهم‌ترین وقایعی که در سال‌های انقلاب اسلامی رخ داده و در ۳ جلد تدوین و منتشر خواهد شد.

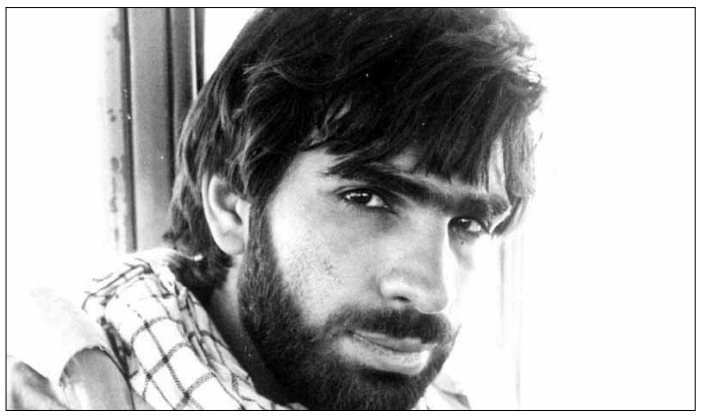

بازگشایی پرونده مبهم خبرنگار مفقودالاثر، کاظم اخوان از طریق برادرش، حسن اخوان

توافق بدون خبرنگار!

مرتضی اسماعیل‌دوست: در روزهایی که برای خالی نبودن عرصه، نهادهایی به دنبال برپایی مراسم روز خبرنگار هستند، معضلات بسیاری را می‌توان یافت که در هر گوشه از این سرزمین با شیار بی‌مِهری مواجه شده و گاه شریان حیات را به پای خشکیدن می‌رساند و در این بین دردها به مثابه سطری پابرجا در دفتر ایام باقی خواهد ماند. این صفحه به دنبال آن بوده تا گریزگاهی باشد برای پرداخت هر آنچه در عالم امروز رسانه‌ای مفقود مانده است و یکی از مردان بزرگ اما کمتر پرداخت شده این روزگار، کاظم اخوان، عکاس و خبرنگار دلیری است که ۳۳ سال پیش ربوده شد. مردی که آموزش جنگ‌های نامنظم را نزد مصطفی چمران دیده بود و با اسلحه قلم و دوربین به دنبال ثبت حقایق بود و حال خود، حقیقتی گمشده در طول دوران به شمار می‌رود. خبرنگاری که روز ۱۴ تیرماه ۱۳۶۱ به همراه احمد متوسلیان، فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، تقی رستگارمقدم و سیدمحسن موسوی، کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لبنان ربوده و به نیروهای اسرائیلی تحویل داده شد و از آن تاریخ تاکنون هیچ خبر موثقی از آنها دریافت نشده است. در این ارتباط حسن اخوان، برادر ایشان، نامه‌ای را که در ارتباط با شرایط مبهم فعلی برای وزیر امور خارجه و مسؤولان دیگر نوشته است در اختیار «وطن امروز» قرار داد که بخشی از آن به دلیل وظیفه خطیری که برای پیمایش رسالت خبرنگاری برعهده ماست، در ادامه منعکس می‌شود تا شاید از این طریق بتوان به نگاهی تازه از مردانی رسید که سال‌ها منتظر پیامی روشن از آنهاهستیم.

***

روز پدر، روز مادر، روز پرستار، روز جانباز و...؛ همه‌اش را دوست دارم اما روز خبرنگار را بیشتر دوست دارم. اگر چه برای من باز شدن زخم‌های کهنه ۳۳ ساله است اما باز امیدوار می‌شوم سرنوشت نامعلوم برادر خبرنگارم پس از ۳۳ سال دوباره مورد توجه قرار گیرد. من در حال و هوای روز خبرنگار گمشده‌ای دارم که ۳۳ سال پیش در سرزمینی دیگر گم کرده‌ام، چیزی گم است، دور نیست، در همین نزدیکی است اما ۳۳ سال است کسی نشانه‌ای از او نداده و نمی‌دهد. این سال‌ها را که مرور می‌کنم، می‌بینم نه، او گم نشده است بلکه ما خود را گم کرده‌ایم.

جناب ظریف! جنابعالی خبرسازترین وزیر امور خارجه پس از انقلاب بوده‌اید و در نزد افکار عمومی تا قهرمان ملی ارتقا پیدا کرده‌اید؛ کاری کردید کارستان، دست مریزاد. صدها خبرنگار از همه کشورهای دنیا برای ارسال اخبار مذاکرات در وین حضور داشتند تا خبر نهایی یعنی توافق را به جهانیان اعلام کنند اما توافق بدون یک خبرنگار بود و آن خبرنگار کاظم اخوان بود، خبرنگار عکاس خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران که ۳۳ سال پیش به همراه احمد متوسلیان، سیدمحسن موسوی و تقی رستگارمقدم حین ماموریت دیپلماتیک در لبنان توسط عوامل وابسته به رژیم صهیونیستی ربوده شد. با کمال افتخار می‌گویم آنان برای کمک به ملت مظلوم لبنان در برابر حملات رژیم صهیونیستی به آنجا رفته بودند.

این ۴ تن حماسه‌داران حماسه‌ساز بودند که همه حضورشان، تکلیف و برای ادای وظیفه بود. آنان نشانه خدا هستند، از تبار مردانی که پا به راه حق گذاشتند و خود نشانه راه شدند. مومنانی که در صراط حق بر مدار ولایت پا به راه شهادت گذاشتند. یادگاران خدایی که باید آنان را به یاد آورد. نام آنان در تاریخ ثبت شده است. کاظم برای من، بوی جهاد و شهادت و مقاومت می‌دهد. من و او عطر انفاس قدسی عارف شهید دکترچمران را به یادگار داریم و خط عشق و شهود واقعی را از او آموختیم.

تا جگر خون ما تا دل مجنون ما/ تا غم افزون ما کسب کند بهتری

شکر که ما سوختیم سوختن آموختیم/وز جگر افروختیم شیوه سامندری

من و برادرم همشهری امام رضا(ع) هستیم؛ مشهد شهر شهادت. اولین جایی که جنابعالی بعد از پایان مذاکرات نفسگیر و تلاش شبانه‌روزی مذاکرات تشریف آوردید. کاظم «اخوان» برادر من و شماست. روزی که برادر خبرنگارم رفت نمی‌دانست که حتی یک عکس نخواهد گرفت و خبری مخابره نخواهد کرد، چرا که خودش و همراهانش خبرساز خواهند شد. تا امروز که ۱۷ مرداد سال ۱۳۹۴ مصادف با روز خبرنگار است، ۳۳ سال گذشته که او خود خبر شده، خبرهایی که گاه شنیدنش جانمان را به لب می‌رساند و گاه روح‌افزا که خبری از نگار خبرساز ما باز آید. می‌گویند این همه سال گذشته است و دیگر خبری نیست. در نگاه آنها که عادت می‌کنند، بی‌خبری خوش‌خبری نمی‌شود، بی‌خبری بی‌خبری است؛ بی‌عملی است. چیزی است که نتیجه‌اش وضعیت امروز ما است. سال‌هاست داغی بر دل ما باقی است، فریادی در گلو مانده و چشمانی که از انتظار خشک شده است. آهن که نیست جان ما آخر دل است، نمی‌دانید بی‌او چه بر ما گذشته و می‌گذرد. روز خبرنگار، یاد گمشده‌ای است که دلمان برای دیدارش پر می‌زند اما با گذشت بیش از ۳ دهه همچنان در برزخی خبری به سر می‌بریم و هیچکس هنوز به طور قطع از سرنوشت او و همراهانش خبر ندارد. در این سال‌ها به هر مسؤولی برای روشن شدن و پیگیری سرنوشت او نامه نوشتیم، با مسؤولان مختلف ملاقات کردیم، با رسانه‌ها مصاحبه کردیم اما هیچگاه پاسخ روشن و دقیقی با دلایل متقن و محکم دریافت نکردیم. با پای خسته عمری از پی او دویده‌ایم اما باید همچنان در بیم و امید زندگی کنیم تا دستی از غیب برون آید و کاری کند. در ۳۳ سالی که خودش یک عمر است استخوان خرد کردیم، مو سپید کردیم. آیا تنهایی مادری که منتظر بازگشت فرزندش است و جان به جان‌آفرین تسلیم کرده را دیده‌اید؟ قصه آشنا و ساده‌ای دارد، رویدادی که ۳۳ سال به طور مستقیم ما را تحت تأثیر خود قرار داد و هنوز هم با تبعات آن درگیریم و نمی‌توانیم بگوییم داستان غم‌انگیز آن تمام شده است. آخرین وضعیت کاظم هرچه می‌خواهد باشد شهادت یا مقاومت فرقی نمی‌کند، کاظم چه زنده برگردد چه شهید شده باشد، شهید است، فرقی نمی‌کند که شهید شده یا زنده باشد، هر جا هست حال خوشی دارد. درخواست ما این است سرنوشت او و همراهانش را روشن کنید. فقط در این صورت خانواده‌های چشم‌انتظار آنان به آرامش می‌رسند. مادران و پدران این عزیزان طعم خوش آرامش خیال و پایان انتظار را نچشیدند. انتظار ظاهرا کلمه ساده‌ای به نظر می‌رسد فقط باید آن را تجربه کرد تا به سختی آن پی برد.

جناب آقای دکتر ظریف! همه می‌دانند که وقت شما ضیق است اما خواهش می‌کنم در برابر ۱۳۲ سال سرجمع صبر و انتظار این ۴ خانواده فقط ۳ دقیقه به حرف ما گوش دهید. تعارفات و حاشیه رفتن در طرح یک درخواست، زمان را هدر می‌دهد و امکان طرح آن را از بین می‌برد و حوصله شما را هم سر می‌برد.

من نمی‌دانم نظر رئیس‌جمهور محترم جناب آقای دکتر حسن روحانی و جنابعالی درباره پیگیری روشن شدن سرنوشت خبرنگار و دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی در لبنان چیست؟ چون در این دو سال در این باره نه از شما و نه از رئیس‌جمهوری نه چیزی شنیده‌ام و نه چیزی دیده‌ام. حمایت از اتباع یک کشور از سوی دولت متبوع آنها امری است که به واسطه علقه تابعیت بر عهده دولت‌ها قرار دارد و یکی از وظایف مهم دولت در عرصه سیاست خارجی است.

اما همین جا اعلام می‌کنم این آخرین نامه‌ای است که به مسؤولان جمهوری اسلامی ایران برای روشن شدن سرنوشت برادرم می‌نویسم و اگر نسیم امیدی نبود و شبنم شوقی، این آخرین نامه را هم به شما نمی‌نوشتم اما بعد از این نامه سکوت خواهم کرد و با لب خاموش سخن خواهم گفت. می‌خواهم گم کنم خود را به خلوت‌های خاموشی.

به‌رغم گذشت ۳۳ سال و با گذشت ۲ سال از عمر دولت یازدهم هنوز نمی‌توان با قاطعیت درباره سرنوشت این عزیزان اظهارنظر کرد، دولت‌ها آمده‌اند و رفته‌اند و تاکنون سیاست دولت‌های پیشین در روشن کردن سرنوشت دیپلمات‌های ربوده شده ایرانی در لبنان موفق نبوده است، ضمن ارج نهادن به تمام تلاش‌هایی که صورت گرفته است چنین شرایطی نه در شأن دولتمردان است و نه در شأن شهروندان ایرانی. آیا از دولتی که خود را دولت تدبیر و امید می‌نامد و رئیس دستگاه دیپلماسی‌اش شما هستید مثل دولت‌های قبلی برای حل این مشکل ۳۳ ساله نیز کاری ساخته نیست؟ خواستن اگر با تمام وجود با بسیج همه اندام‌ها و نیروهای روح و با قدرتی که در صمیمیت است تجلی کند، اگر همه هستی‌مان را یک خواستن کنیم، یک خواستن مطلق شویم و اگر صادقانه و سرشار از امید و یقین و ایمان بخواهیم پاسخ خویش را خواهیم گرفت. هرگز باور نمی‌کردم که سال‌های سال همچنان زنده ماندنم به طول انجامد! چرا که زیستن در برزخ مشکل است و لحظات چنان به سختی و سنگینی بر من گام می‌نهند و دیر می‌گذرند که احساس می‌کنم خفه می‌شوم. چه کسی باید غم شهروندان را بخورد و برای حل مشکلات آنان تلاش کند؟ تصور می‌کنم غمخواری برای ما و عزیزانمان یک مفهوم انتزاعی و ساختگی است که اساسا هویتی ندارد. البته امسال در بیانیه وزارت امور خارجه به مناسبت سی‌وسومین سالگرد ربایش این عزیزان به تشکیل کمیته حقیقت‌یاب اشاره شده است. اگر چه صدر و ذیل این بیانیه خود دارای تناقض است اما پیگیری تشکیل این کمیته بسیار مهم است و بیانیه‌های متعدد وزارت امور خارجه طی سال‌های گذشته تاکنون مشکل ما را حل نکرده است. در ۳ دهه گذشته فضای حمایت سیاسی در کشور ما همواره ماهیت غمبار و تراژیک داشته است. وزارت امور خارجه در مقام دستگاه سیاست خارجی کشور که همانند سایر دولت‌ها متولی اصلی حمایت سیاسی از اتباع ایرانی است، وظیفه مهمی در حفظ غرور و هویت ملی اتباع ایرانی و در نهایت، آبروی اجتماعی کشور نسبت به پیگیری سرنوشت اتباع ایرانی در خارج از کشور دارد. این وظیفه با تصویب قانون استیفای حقوق اتباع و دیپلمات‌های ایرانی آسیب‌دیده از اقدامات دولت‌های خارجی در تاریخ ۲۶ خرداد ۱۳۸۹ صورت قانونی به خود گرفت که به نوبه خود تأکید مجددی بر پیگیری وضعیت ایرانیان خارج از کشور است.

این مهم در بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری نیز مورد تاکید قرار گرفته است. مقام معظم رهبری در رهنمودهایی در دیدار با سفرای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اروپایی درباره اهمیت ارتباط با ایرانیان مقیم خارج فرمودند: «به نظر من در مورد اتباع ایرانی مقیم کشورهای دیگر کمی کوتاه می‌آییم یعنی آن حساسیت لازم را به خرج نمی‌دهیم این مساله آبروی ماست. باید در این زمینه بنشینید و برنامه‌ریزی کنید، کاری هم نداشته باشید که انقلابی است یا انقلابی نیست. فرقی نمی‌کند ایرانی است. در حوزه کاری خودتان هر جا مشاهده کردید یک ایرانی مشکلی پیدا کرده که با دولت طرف است و تحت تعقیب قرار می‌گیرد، آن وقت شما جدا وارد شوید. همه دیپلماسی کشور حتی بیشتر از دیپلماسی کشور را به کار بگیرند. گاهی ما مبادلات داریم. خرید و فروش داریم، دادوستد می‌شود. همه اینها را بگذارید که از تبعه ایرانی دفاع بکنید».

جنابعالی یک معضل ۱۲ ساله کشور را حل کردید، پس می‌توانید گذشته از یک وظیفه ملی به‌عنوان یک وظیفه انسانی مشکل ۳۳ ساله ما را حل کنید. سرنوشت برادر خبرنگارم را بینی و بین‌الله هرچه هست روشن به ما اعلام کنید. آقای روحانی در زمان انتخابات ریاست‌جمهوری فرمودند: «مردم صداقت می‌خواهند» ما نیز پس از گذشت ۳۳ سال فقط صداقت می‌خواهیم. مطالبم را با اظهارات ۳ سال پیش «حجت‌الاسلام موسی فخرروحانی» که در مقطع زمانی ربایش ۴ شهروند ایرانی، مسؤولیت سفارت ایران در لبنان را برعهده داشته است به پایان می‌برم: «از آنجا که در عرف سیاسی حمله به یک دیپلمات و هرگونه تعرضی از این دست مفهومی کمتر از حمله و تعرض علیه یک ملت نداشته و ندارد؛ بنابراین گروگانگیری ۴ دیپلمات ایرانی به معنای تعرض همه‌جانبه به ملت بزرگ ایران بود که طبعا قابل تحمل و تسامح نبود. فقط باید عزمی در بین باشد و اشخاصی که شایستگی و لیاقت این مهم را دارند، برگزیده شوند تا این ننگ از دامان ما پاک شود. این ننگ نیست که مردانی مانند آقا محسن موسوی، احمد متوسلیان و همراهانشان ۳۰ سال اسیر اسرائیل باشند؟»

حسن اخوان (برادر خبرنگار کاظم اخوان)
مشهد الرضا - هفدهم مرداد ۱۳۹۴

■■■

معرفی کتاب «کمین جولای ۸۲»؛ اثری درباره ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی

۳۳ سال سکوت!

کتاب «کمین جولای ۸۲» نوشته حمید داوود آبادی، سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده‌شده ایرانی را که سال‌هاست از اسارت آنان در چنگال رژیم صهیونیستی می‌گذرد روایت می‌کند. نویسنده در این کتاب کوشیده تا روز شماری از همه اخبار و وقایع اتفاق افتاده از ۱۴ تیر ۱۳۶۱ تا تابستان ۱۳۸۴ را گردآوری کند. کتاب، مشتمل بر سخن ناشر و یادداشت نویسنده است و از صفحه ۱۳ متن کتاب با عنوان «روزشمار گروگانگیری» آغاز می‌شود. در مقدمه کتاب «کمین جولای ۸۲» آمده است: «معمای تا به امروز حل نشده‌ای در این کتاب مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته است؛ معمایی به قدمت نزدیک به ربع قرن. داستان سراسر ابهام سفر ناتمام ۴ شهروند جمهوری اسلامی ایران، در یک ظهر داغ تابستانی از جاده ساحلی طرابلس- بیروت به سوی پایتخت کشور اشغال شده لبنان». همچنین بخشی از سخنان داوودآبادی در جریان یکی از مراسم‌های بزرگداشت ۴ دیپلمات ایرانی در کتاب چنین آمده است: «آخرش باید این سناریو یک جایی قیچی بشود؛ یا شهادت اینها و یا اسارت اینها؛ اما هرسال می‌بینیم که یک داستان جدیدی ساخته می‌شود؛ هر سال یک بازی جدید... آمریکا برای گروگان‌های غربی فیلم «گروگان‌ها» را ساخت. فیلم «منطقه جنگی» را ساخت. برای «جان مک کارتی» خودش را کشت؛ این قدر پوستر و کتاب زدند. اما شما، اگر توانستید درعرض این ۲۴ سال، یک کتاب گیر بیاورید که زندگینامه این ۴ تا آدم توی آن باشد!» این نوشته‌های داوودآبادی مربوط به سال نگارش کتاب در سال ۱۳۸۵ بوده و البته باز هم در این سال‌ها، گشایشی رخ نداده است. نویسنده در بخش دیگری از کتاب نوشته است: «ستار ناصر»، خبرنگار روزنامه «الخلیج» ضمن اشاره به ادعای وجود ضعف در عملکرد دستگاه دیپلماسی ایران در پیگیری پرونده دیپلمات‌های ربوده شده معتقد است: «از سکوت خبری رسانه‌های داخلی ایران در پیگیری این مسأله متعجبم. به نظر من دستگاه دیپلماسی ایران در زمینه پیگیری حقوقی ربایش دیپلمات‌هایش ضعیف عمل کرده است. پیگیری سرنوشت این ۴ نفر، به این صورت درآمده که هرسال یک بار در مراسم یادبود ربوده شدن این افراد، مراسمی برگزار می‌شود و بقیه سال به فراموشی سپرده می‌شود...» در این سال‌ها خبرهای متفاوتی درباره سرنوشت ۴ مرد بزرگ عرصه ایثار و مقاومت به‌دست آمده اما به نتیجه‌ای قطعی ختم نشده است.

رویدادها

زندگی دلاورانه احمد متوسلیان جلوی دوربین می‌رود

محمدحسین مهدویان گفت بزودی فیلمی با موضوع زندگی جاویدالاثر احمد متوسلیان را جلوی دوربین می‌برد. به گزارش مهر، محمدحسین مهدویان، کارگردان سینما با اشاره به اینکه نگارش فیلمنامه‌ای با موضوع زندگی جاویدالاثر متوسلیان به پایان رسیده است، گفت: «کودکی ناتمام» نام این فیلمنامه است که نگارش آن را خودم برعهده داشته‌ام. در این فیلم یک دوره طولانی از زندگی شهید متوسلیان تا زمان مفقود شدن او را به تصویر می‌کشیم. وی تاکید کرد: بزودی برای دریافت پروانه ساخت این فیلم سینمایی اقدام می‌کنیم و همزمان با آن پیش‌تولید کار آغاز می‌شود. کارگردان سریال «آخرین روزهای زمستان» بیان کرد: فیلمنامه این فیلم سینمایی براساس یک تحقیق ۲ ساله براساس کتاب‌هایی که درباره این جاویدالاثر نوشته شده و مصاحبه با افرادی که ارتباط نزدیک با شهید متوسلیان داشته‌اند، نوشته شده است. مهدویان در پایان با اشاره به اینکه تهیه‌کنندگی این فیلم برعهده سازمان سینمایی اوج است، گفت: موسسه فرهنگی «فردای دیگر» مجری طرح این پروژه است و براساس فیلمنامه‌ای که نوشته شده این فیلم در شهرک دفاع‌مقدس، پادگان دوکوهه خوزستان و کردستان جلوی دوربین می‌رود.

■■■

انتشارات روایت فتح خاطرات شهدای مدافع حرم را منتشر می‌کند

انتشارات روایت فتح مجموعه جدیدی با محوریت خاطرات شهدا و جانبازان مدافع‌حرم منتشر می‌کند. به گزارش تسنیم، حسن علایی، مدیر این موسسه از انتشار مجموعه جدیدی از سوی انتشارات روایت‌فتح خبر داد و گفت: با توجه به اینکه انتشارات روایت‌فتح تاکنون به انتشار خاطرات رزمندگان ۸ سال دفاع‌مقدس در قالب‌های گوناگون مبادرت کرده، در نظر است مجموعه‌ای جدید از خاطرات رزمندگان جبهه‌های حق علیه باطل در سوریه را از سوی این انتشارات راهی بازار کتاب کنیم. وی افزود: با توجه به اوضاع کنونی منطقه و درگیری‌های سوریه، مسلمانان زیادی از سراسر دنیا با ملیت‌های مختلف برای دفاع از حرم حضرت‌زینب(س) و حضرت رقیه(س) و سرکوبی دشمن در سرزمین سوریه وارد عمل شده‌اند و بحمدالله با رشادت و مقاومت این رزمندگان، سوریه همچنان از هویت خود دفاع کرده است.

■■■

ساخت مستند مرحوم کافی

سینا عودی از ساخت مستندی با موضوع مرحوم کافی خبر داد. به گزارش تسنیم، این کارگردان و مستندساز گفت: اکنون در مرحله پیش‌تولید و تحقیق و پژوهش این مستند هستیم. در ساخت این کار سعی خواهیم داشت با توجه به اینکه تاکنون کارهایی با موضوع مرحوم کافی انجام شده است، علاوه بر پرداختن به پرتره ایشان، حرف‌هایی غیرکلیشه‌ای و ناگفته را مطرح کنیم. برای مثال سعی خواهیم داشت به موضوع منبرها و سخنرانی‌ها در عصر حاضر از دید جامعه‌شناسی نگاه کنیم. تهیه‌کننده این مستند مهدی مطهر بوده و در خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه خواهد شد.

■■■

«قندون جهیزیه» از چهارشنبه می‌آید

وضعیت اکران فیلم «قندون جهیزیه» مشخص شد و این فیلم قرار است از چهارشنبه هفته جاری به اکران درآید. به گزارش «وطن امروز»، علی ملاقلی‌پور، کارگردان جوان سینمای ایران با اعلام این خبر افزود: فیلم «قندون جهیزیه» به سرگروهی پردیس زندگی به اکران در خواهد آمد و امیدوارم این فیلم بتواند با مخاطبان ارتباط مناسبی برقرار کند. لازم به ذکر است فیلم «قندون جهیزیه» که به دلایل نامشخصی از جشنواره فجر گذشته کنار گذاشته شد، با اولین اکران خود در جشنواره فیلم «سما» با استقبال بسیار خوبی از سوی مخاطبان مواجه شده بود.

■■■

تحریم «لوکارنو» در اعتراض به سیاست صهیونیست‌محوری

۲ فیلمساز تونسی پروژه‌های خود را از بخش «درهای باز» فستیوال لوکارنو که روی کشورهای غربی تمرکز می‌کند بیرون کشیدند تا اعتراض خود را نسبت به نمایش همزمان فیلم‌هایی از رژیم صهیونیستی که با همکاری بنیاد فیلم اسرائیل سازمان‌دهی شده بودند، نشان دهند. به گزارش مهر به نقل از ورایتی، کمپانی پروپاگاندا پیکچرز متعلق به ایمد مرزوک و بادی چوکا تهیه‌کنندگان اهل تونس و همچنین کارگردان‌های این دو فیلم در بیانیه‌ای گفتند تصمیم گرفتند سومین ساخته نجیب بلکادی یعنی «شبکیه» و فیلم انیمیشن «Aller Simple» ساخته نادیا ریس را از ۱۲ پروژه حاضر در بخش «درهای باز» این جشنواره بیرون بکشند.